

بسم الله الرحمن الرحيم

در کتاب علل الشرایع روایتی آمده است مبنی بر اینکه فردی از حسین بن روح (نائب خاص امام زمان) می پرسد که چرا خداوند دشمنش را بر ولی خود پیروز می گرداند؟ حسین بن روح در پاسخ به این سوال تحلیل جالبی ارائه می دهند. اما فردی که سوال کرده بود احتمال می داد که پاسخ ایشان از جانب خود باشد نه امام؛ فلذا بار دیگر خدمت حسین بن روح رسیده و ایشان بلافاصله می فرمایند: «لَأَنَّ آخِرَ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفُنِي الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِيَ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقُولَ فِي دِينِ اللَّهِ بِرَأْيِي». به این معنا که اگر از آسمان افتاده و طعمه پرندگان شوم یا طوفان مرا به مکان دور افتاده ای منتقل کند برای من بهتر از آن است که در دین خدا نظر خود را بگویم. نکته قابل توجه آن است که این سخن را کسی بر زبان جاری ساخته است که نزدیک به معصوم است و سوال مخاطب نیز از مسئله ای شرعی نیست. لازم است که روایاتی همچون روایات باب صفات قاضی در وسائل الشیعه را بررسی کرده تا روی مرز به طور صحیح حرکت کنیم.

وظایف انسان گاهی ایمانی است و گاهی صنفی. وظایف صنفی طلاب طبق آیه نفر تفقه و انذار است. و در انذار نیز لازم است که روی مرز حرکت کرده تا دچار خطا نشویم. در کتاب کافی باب التسلیم از امام صادق (ع) نقل شده است: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ كُلَّهُ فَلْيَقُلْ الْقَوْلَ لِي فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ مَا قَالَهُ آلُ مُحَمَّدٍ (ص) فِي مَا بَلَغَنِي مِنْهُمْ وَفِي مَا لَمْ يَبْلُغَنِي وَفِي مَا أَسْرَوْا وَفِي مَا أَعْلَنُوا» اگر کسی دوست دارد ایمانش کامل گردد لازم است به مرحله ای برسد که بگوید نظر من همان نظر آل محمد (ص) است چه در موارد پنهان شده و چه در موارد اعلان شده که به او رسیده است یا خیر. در دعای بعد از نماز عید غدیر نیز عباراتی به همین مضمون وارد شده است: «... اللَّهُمَّ إِنَّا نُشْهَدُكَ أَنَّا نَدِينُ بِمَا دَانَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ وَقَوْلُنَا مَا قَالُوا وَدِينُنَا مَا دَانُوا بِهِ. مَا قَالُوا بِهِ قُلْنَا وَ مَا دَانُوا بِهِ دَنَّا وَ مَا أَنْكَرُوا أَنْكَرْنَا وَ مِنْ وَالِّوَا وَالِّينَا وَ مِنْ عَادَوْا عَادَيْنَا وَ مِنْ لَعَنُوا لَعَنَّا وَ مِنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ تَرَحَّمْنَا عَلَيْهِ وَ مِنْ تَبَرَّئُوا مِنْهُ تَبَرَّئْنَا مِنْهُ ... آلُ مُحَمَّدٍ أَثْمَنَّا فِيهِمْ نَأْتُمُّ وَ إِيَّاهُمْ نُؤَالِي وَ عَدُوَّهُمْ عَدَوَاللهُ نَعَادِي فَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ». مضمون دعا این است انسان خواهان آن است که در عرصه اندیشه، انگیزه، گرایش و رفتار همانند پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت ایشان باشد و با همین حالات زندگی کرده و در همین حالت نیز از دنیا رود. رسیدن طلاب به این مقام که مقام استكمال ایمان است به این صورت است که در عرصه طلبگی به دنبال گفته ها و نظریات اهل بیت (ع) باشد. نباید زیست طلبگی به صورتی باشد که گفتار و عملمان بر خلاف اهل بیت (ع) باشد.

بنابراین لازم است که ارتباط با کتاب و سنت همواره برقرار باشد و این امر با نگاه به سیره علمای فلسفه نیز روشن می شود. علامه مصباح خود در کتاب و سنت تحقیقات بسیار کرده و علوم عقلی را در راستای فهم کتاب و سنت می دانند. به عنوان مثال ایشان در سنین جوانی بر «ابواب سماء و عالم» بحار الأنوار و همچنین کتاب «معانی الأخبار» تعلیقه زده اند و سعی بر حل تعارضات روایات داشته اند. همچنین مجموعه کتب معارف قرآن نیز یکی از مصادیق ارتباط شدید علامه مصباح با کتاب و سنت است. علامه طباطبایی نیز با کتاب و سنت ارتباط بسیاری داشته اند و از جمله مصادیق آن مطالعه کامل بحار الأنوار برای سه بار، چاپ وسائل الشیعه با تحقیقات علامه طباطبایی و تألیف تفسیر روایی «البیان فی تطبیق بین الحدیث و القرآن» در شش جلد می باشد. در نتیجه حضور در فضای فلسفی نباید مانع ارتباط با کتاب و سنت شود چراکه پرچمداران فلسفه در عصر ما همچون علامه طباطبایی، علامه مصباح و علامه جوادی آملی خود ارتباط بسیاری با کتاب و سنت داشته اند.

اگر ارتباط خود با کتاب و سنت را حفظ کنیم می توانیم مباحث فلسفی را در خدمت کتاب و سنت به کار بریم و در غیر اینصورت هم از منابع اصلی دین محروم شده و هم در مباحث فلسفی توفیقی نخواهیم یافت چراکه فلسفه بدون کتاب و سنت کارایی لازم را ندارد. شخصیت های اثر گذار در دوران معاصر هم با کتاب و سنت انس داشته و هم در حکمت متبحر بوده اند.

به مناسبت ایام فاطمیه روایتی را در عظمت حضرت فاطمه زهرا (س) بیان می کنیم. مضمون روایت به این صورت است که حضرت زهرا (س) در ورودی جهنم توقف داشته و به فردی می نگرند که مومن است ولی به سوی جهنم رانده می شود. در این هنگام به خداوند متعال خطاب می کنند «یا رَبِّ سَمِّتَنِي فَاطِمَةَ وَ قَطَمْتَ بِي مَنْ تَوَلَّيْتُ أَوْ تَوَلَّى أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي مِنَ النَّارِ وَ وَعَدَكَ الْحَقُّ وَ أَنْتَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ» به عبارت دیگر فلسفه نام گذاری حضرت زهرا (س) دور کردن دوستان ایشان از آتش است. در این هنگام خداوند متعال می فرماید: «یا فَاطِمَةُ صَدَقْتَ إِنِّي سَمِّيتُكَ فَاطِمَةَ وَ إِنَّمَا أَمَرْتُ عَبْدِي هَذَا إِلَى النَّارِ لِتَشْفَعِيَ أَنْتِ فَأُشْفَعُكَ» یعنی شفاعت تو را بپذیرم تا «یتَبَّيْنِ مَوْفِقَكَ عِنْدِي وَ مَكَانَتَكَ لَدَيَّ».

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته - ۲۱ آذر ۱۴۰۲ - مرکز آموزش تخصصی فلسفه اسلامی